

الگوی عدالت و پیشرفت در اسلام

با تأکید بر الگوی دولت مهدوی

دریافت: ۸۷/۸/۱ تأیید: ۸۸/۱/۲۰

آیت مظفری*

چکیده

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی که از سوی رهبر معظم انقلاب، «دهه عدالت و پیشرفت» نام‌گذاری شده است، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که الگوی عدالت و پیشرفت در انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟ نوع پاسخ به این پرسش راهبردی، چگونگی آینده نظام را رقم می‌زند. در جهان معاصر غالباً دو الگوی عدالت و پیشرفت که هر دو بر آموزه‌های غربی تکیه دارند، مطرح است: اولی مدل لیبرال‌دموکراسی و دومی الگوی سوسیال‌دموکراسی یا مارکسیستی است. از آنجا که نظام جمهوری اسلامی و گفتمان آن، ریشه در گفتمان اسلام ناب محمدی دارد، ارائه هرگونه الگویی برای عدالت و پیشرفت در جمهوری اسلامی (ضمن بهره‌گیری از تجربیات مثبت مدل‌های معاصر) باید از مکتب اسلام سرچشمه گرفته باشد.

در این مقاله، نویسنده برخلاف دیدگاهی که الگوی توسعه بومی (ایرانی-اسلامی) را نفی می‌کند، تلاش کرده است تا با بهره‌گیری از دو الگوی اسلامی در صدر اسلام و عمدتاً دولت آرمانی اسلام در عصر حضرت مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف)، به این پرسش اساسی و نیاز امروز، پاسخ دهد. بر این مبنا، مقاله در دو بخش تنظیم شده است: بخش اول به بحث عدالت و بخش دوم به پیشرفت اختصاص یافته است. با این ایده که در نگاه اسلامی بین این دو متغیر سازگاری وجود دارد و اگر بنا بر تقدم باشد، عدالت، مقدم است.

واژگان کلیدی

عدالت، پیشرفت (توسعه)، دولت آرمانی اسلام، الگوی عدالت، الگوی پیشرفت

از جمله مهمترین مطالبات تاریخی ملت ایران، دولت اسلامی، عدالت‌خواهی و پیشرفت بوده است. هرچند در جهان معاصر، مساوات‌طلبی و توسعه در گفتمانهای سوسیالیستی و لیبرال، پارادایم حاکم در بسیاری از کشورها بوده است، اما بی‌گمان ایرانیان مسلمان آنها را در چارچوب اسلام جست‌وجو می‌کنند و اگر نخواهیم این دو تقاضای تاریخی ایرانیان را به گذشته‌های دور نسبت دهیم، لاف‌های این نیاز از عصر مشروطه تاکنون، آشکارا و به شیوه‌های مختلف مطرح شده است. هنگامی که این مطالبات - که از ریشه فطری نیز برخوردارند - در نظامهای سلطنتی قاجار و پهلوی تحقق نیافت، روحانیان مسلمان به رهبری امام خمینی ره - با توجه به این نکته که مهمترین موانع این تقاضا، استبداد و استعمارند - به نبردی بی‌امان با رژیم استبدادی پهلوی و استعمار غربی به رهبری آمریکا دست زدند. با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی با از میان برداشته شدن این دو مانع تاریخی در ایران - یعنی استبداد و استعمار - نوبت آن رسیده بود تا ایرانیان مسلمان در پرتو نظام نوپای اسلامی بر دو معضل دیگر، یعنی عقب‌ماندگی و بی‌عدالتی غلبه کنند.

بر این مبنا، امام خمینی و مسؤولین نظام جمهوری اسلامی ایران، تلاشی بی‌امان را آغاز کردند تا محرومان و مستضعفان، فقرای دردمند، تازیانه‌خوردگان تاریخ، کوخ‌نشینان و در یک کلام، طبقات پایین اجتماع، طعم شیرین عدالت را بچشند، شکاف طبقاتی حاصل از نظام استبداد و استعمار پر شود و همه اقشار جامعه در شعاع عدالت‌گستری دولت اسلامی قرار گیرند. از سوی دیگر، کوششی انقلابی برای غلبه بر عقب‌ماندگیها و رشدنایافتگی تاریخی صورت گرفت. اما این همه تلاش با بروز بحرانهای ناشی از سقوط رژیم استبداد، تلاشهای مخالفان نظام و براندازان جمهوری اسلامی و توطئه‌های شیطان بزرگ (آمریکا) و یارانش، آن‌گونه که می‌بایست تحقق نیافت. در این میان، باید کم‌تجربگیها، کژاندیشی‌ها و سوء مدیریت برخی از نیروهای درون انقلاب را نیز بر آن افزود.

در هر حال، دولت نوپای اسلامی در طی سه دهه از عمر خود توانست بحرانها، جنگ تحمیلی، محاصره‌ها و مشکلات ناشی از اقدامات دشمن را به‌خوبی از سر بگذراند و در زمینه عدالت‌گستری به طبقات پایین اجتماع کوشش خود را در کنار پیشرفتهای بزرگ در زمینه انرژی هسته‌ای، فناوری ماهواره، سلولهای بنیادی، تسلیحات نظامی و مانند آن تداوم بخشد؛ اگرچه،

مسئولان و مردم می‌دانستند که تا رسیدن به وضع مطلوب در موضوع عدالت و پیشرفت، راه زیادی در پیش است.

بر همین اساس، رهبر معظم انقلاب اسلامی با توجه به پیام عدالت‌خواهی انقلاب اسلامی و ضرورت توسعه نظام جمهوری اسلامی، «عدالت و پیشرفت توأمان» را راهبرد دهه آینده انقلاب و جمهوری اسلامی اعلام کردند.

تردیدی نیست که حرکت در این راه کلان، نیازمند اقدام در دو سطح نظری و عملی است. در سطح عملی، نیازمند ارائه راه‌کارهای قانونی و اجرایی هستیم که پیش‌نیاز این اقدام، ارائه الگویی از ابعاد و شاخصهای عدالت‌خواهی و پیشرفت بومی بر مبنای اسلام است. چه اینکه عدالت و پیشرفت با شعار و سطحی‌نگری و بدون داشتن الگو و نسخه عملی به‌دست نخواهد آمد. علاوه بر آن، نیازمند عزم و تعصب ملی است. بنابراین، در سطح نظری لازم است مباحث مربوط به فلسفه عدالت و پیشرفت، به‌گفتمان حاکم در جامعه اسلامی ایران تبدیل شود تا این نیاز از سطح خواست تاریخی و فلسفی به فرهنگ عمومی تبدیل شود و همگان خواستار آن شوند.

بدین‌منظور، لازم است با تبیین و تشریح عدالت و ظلم، فلسفه عدالت‌خواهی، متغیرها و شاخصهای آن، آثار و ابعاد عدالت‌خواهی و تأثیرات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی آن از نظر اسلام روشن شود. این اقدام، نیاز جدی و اساسی جامعه امروز ماست و استمرار نظام جمهوری اسلامی در گرو آن است. حضرت آیه‌الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرمایند:

گفتمان عدالت، یک گفتمان اساسی است و همه چیز ماست. منهای آن جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت (آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۱۰).

بنابراین، عدالت‌خواهی باید در جامعه ما تبدیل به گفتمانی عمومی و همه‌گیر شده و نهادینه گردد؛ به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی:

... به‌گونه‌ای که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سر کار بیاید، خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفتمان شود؛ یعنی برای عدالت تلاش کند و مجبور شود پرچم عدالت را بر دست بگیرد (همان).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، ابعادی از این خواست را بیان کرده‌اند، اما بسیار روشن است که دولت و ملت مسلمان ایران، نمی‌توانند برای تحقق این خواست تاریخی و ملی، مدل سوسیال‌دموکراسی یا مدرنیته غربی را الگوی خود قرار دهند؛ هر چند از ابعاد مثبت این پروسه تاریخی که در غرب تحقق یافته و الگوی بسیاری از دولتها و ملتها

قرار گرفته است، بهره خواهند گرفت. دلیل اینکه ما نمی‌توانیم مدل مدرنیته غربی یا مدل سوسیال‌دموکراسی را الگوی خود قرار دهیم، این است که هر دو مدل، در تضاد یا مغایرت با دین و سنت و معنویت معنا می‌یابند و توجه عمده آنان، بعد مادی انسان است؛ در حالی که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، «هدف عمده ما عبارت است از ساختن کشوری نمونه که در آن رفاه مادی، همراه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزشهای اسلامی تأمین شود» (آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۲).

بر این اساس، به تعبیر معظم‌له «مدل توسعه در جمهوری اسلامی به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، موارث و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است. از هیچ‌جا نباید تقلید کرد» (آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۳/۲۷).

در مقابل، برخی که اساساً وجود الگوی ایرانی - اسلامی را نفی می‌کنند، رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به ضرورت بهره‌گیری از الگوی بومی، به نقد دیدگاه آنان می‌پردازند:

.... می‌گویند: آقا کدام الگوی توسعه بومی؟ مگر می‌شود؟! ببینید، این همان رسوبات باقیمانده از گذشته است.... اگر یک ملت می‌خواهد پیشرفت کند، نمی‌شود منتظر دیگران باشد (آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

جامعه شیعی از دو الگوی برجسته برخوردار است که یکی مربوط به گذشته (یعنی جامعه صدر اسلام در حکومت نبوی ﷺ و علوی علیاً) و دیگری مربوط به آینده (یعنی جامعه آخرالزمان و حکومت مهدوی) است. در این مقاله، درصدد آنیم که ضمن بهره‌گیری از الگوی اول، تصویری از عدالت و پیشرفت در جامعه مهدوی را ارائه کرده و گامهای اولیه را در راستای الگوسازی برداریم. البته در این مقاله، قصد مقایسه تفصیلی مدل اسلامی با مدل‌های غربی را نداریم و این امر، نیازمند فرصت دیگری است.

در این راستا، نوشتار حاضر در مقام پاسخ به این پرسش اساسی است که:

آموزه اسلامی و به‌طور خاص جامعه مهدوی، پیرامون الگوی عدالت و پیشرفت چیست؟
پاسخ به این پرسش را در ذیل عناوین زیر پی می‌گیریم:

بخش اول: عدالت

۱- اهمیت عدالت

از جمله مفاهیمی که بیشترین بحثها پیرامون آن صورت گرفته، عدالت است. دادگری و

عدالت‌خواهی، نیاز فطری و آرمان مشترک انسانها در طول تاریخ بوده است. نهضت و انقلابی به پا نخاسته است که شعار عدالت در آن طنین نیفکنده باشد. مقبولیت و مشروعیت عدالت تا بدان جا بوده است که حتی ستمگران نیز برای توجیه اعمال خود در نبردها از عدالت سخن رانده‌اند. اگر فیلسوفان سیاسی از مدینه فاضله و جامعه آرمانی سخن گفته‌اند، منظورشان مدینه عدالت بوده است.

مهمتر اینکه اساساً نظام هستی، مبتنی بر عدل است:

بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ (قمی (الف)، بی تا، ج ۲: ۱۶۶).

خداوند عادل است و بارها در قرآن کریم بر این نکته تأکید کرده است که به کسی ظلم نمی‌کند.^۱ در فلسفه بعثت انبیای عظام الهی نیز علاوه بر عبادت «الله» و «اجتناب از طاغوت»، بسترسازی برای قیام مردم به قسط و عدل، مأموریتی اساسی است:

«لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید (۵۷): ۲۵).

در تبیین جایگاه والای عدالت‌خواهی همین بس که:

- رسول الله ﷺ مأمور به دادگری بین مردم است؛ «امرت لاعدل بینکم» (شوری (۴۲): ۱۵).

- خداوند به انسان فرمان می‌دهد که به عدالت و نیکی رفتار کند:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل (۱۶): ۹۰).

- امر خاص خدای هستی بر مؤمنان این است که کاملاً به عدالت رفتار کنند، هرچند علیه

خود و بستگان‌شان باشد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ

الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ» (نساء (۴): ۱۳۵).

از سویی دیگر در روایات اسلامی از عدالت بسیار سخن گفته شده است و از نقش بنیادبرانداز ظلم، هشدارها داده شده است. در کلام امیر عدالت و شهید دادگستر، امام علی (علیه السلام)، ثبات دولتها در اقامه سنت عدل دانسته شده است «ثبات الدول باقامة سنن العدل» (محمدری شهری، ج ۲: ۹۳۷). و چون عدالت، قانونی عام و شامل همه اجتماع است، حتی از جود و بخشش برتر است:

العدل سائس عام و الجود عارض خاص فالعدل اشرفهما (همان، ج ۳:

۱۸۳۹).

۱. به عنوان نمونه، ر.ک. به: نساء (۴): ۴۰، ۲۹ و ۱۲۴؛ آل عمران (۳): ۱۸۲.

در واقع، حیات انسانها و جوامع به عدل است و هیچ عنصری در پیشرفت کشورها، چون عدالت کارساز نیست:

العدل حياة؛

و ما عمرت البلدان بمثل العدل (همان، ج ۳: ۱۸۳۹).

امام علی علیه السلام در پاسخ به ابن عباس، هنگامی که کفش کهنه خود را وصله می‌زد، ارزش حکومت را - که این همه بر سر آن می‌جنگند و سر و دست می‌شکنند - از آن ناچیزتر شمرد، اما یک استثنا قائل شد که در واقع علاوه بر نشان دادن مکانت بلند عدالت در سیره علوی، ملاک ارزشمندی نظامهای سیاسی را نیز نشان می‌دهد:

الآن اقيم حقاً (نهج البلاغه، خطبه ۳۳).

۲- مفهوم و معیار عدالت

حال اگر بخواهیم مفهوم عدالت را دریابیم، این استثنا در سخن فوق که از حضرت امیر نقل کردیم، برای این منظور کافی است. عدالت، یعنی برپایی حق. از سوی دیگر ایشان در تبیین مفهوم عدالت می‌فرماید:

العدل يضع الأمور مواضعها (همان، حکمت ۴۳۷).

بنابراین، عدالت یعنی اینکه حق هر کس، آن‌گونه که شایسته است، بدون تبعیض در اختیارش قرار گیرد و همه چیز در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و امنیتی در سطح تولید، توزیع و مصرف، در جایگاه قانونی خود بر اساس قوانین الهی قرار گیرد.

معیار سنجش عدل یا ظلم بودن یک عمل نیز شریعت یا قانون اسلامی است. فرد یا گروه یا جامعه یا دولتی که بر اساس «ما انزل الله» عمل کند، به عدالت رفتار کرده است و هر نوع تعدی و زیر پا گذاشتن حدود الهی ظلم محسوب می‌شود. این مطلب را از کلام وحی دریافته‌ایم:

«وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (مائده (۵): ۴۵).

بنابراین، اگر عمل نکردن به شریعت الهی، ظلم محسوب شود، مفهوم مخالف آن - که عمل به شریعت است - عین عدل خواهد بود.

۳- الگوی عدالت

تردیدی نیست که مهمتر از سطح نظری، اقدام عملی است و عمل نیز نیازمند الگوست. خداوند در قرآن کریم برای پیاده کردن احکام اسلام، رسول الله صلی الله علیه و آله را به عنوان الگوی نیکو

معرفی می‌کند:

«لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب (۳۳): ۲۱).

اگر فرد الگو باشد، افکار، گفتار و رفتار او نمونه و سرمشق خواهد بود. امام علی علیه السلام دربارهٔ وجوه الگو بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

سیره القصد و سنته الرشد و كلامه الفصل و حكمه العدل (نهج البلاغه، خطبه ۹۳).

اما اگر برنامه‌ای الگو قرار گیرد، منظور بهترین برنامه است که با رعایت اعتدال و به دور از افراط و تفریط و براساس حق تهیه شده است.

با الهام از برنامه عدالت‌گستری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ارکان الگوی عدالت را به قرار زیر می‌توان در نظر گرفت:

۱- قانون عدل

قانون عدل، آینه تمام‌نمای جامعه آرمانی و مطلوب است. هیچ اقدام عدالت‌خواهانه‌ای بدون داشتن قانون اساسی به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. قانون عدل به منزله نرم‌افزار جنبش عدالت‌خواهی است. بدیهی است که با توجه به مطالبات ایرانیان مسلمان، این نرم‌افزار باید از اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله سرچشمه بگیرد و با توجه به نگاه مادی و نفی معنویت در لیبرالیسم و مارکسیسم، نمی‌توان با نرم‌افزار لیبرال‌دموکراسی و یا سوسیالیسم به عدالت اسلامی رسید. عدالت در گفتمان سوسیالیستی و مارکسیستی به دلیل نفی مالکیت خصوصی و تأکید بر مالکیت اشتراکی و دولتی^۱ در خوش‌بینانه‌ترین حالت، با مساوات اقتصادی مترادف است و حال آنکه می‌دانیم مساوات، اگرچه در مواردی با عدالت یکی است، ولی در تمام موارد با عدالت هم‌پوشانی ندارد. همچنین قوانین مارکسیستی به نفع طبقات خاصی، مانند پرولتر (کارگر صنعتی) و حداکثر کشاورز، جهت‌گیری دارد؛ درحالی‌که جامعه، تنها از این دو طبقه تشکیل نشده است و قانون باید حقوق همه اقشار و طبقات اجتماعی را شامل باشد.

عدالت، در گفتمان لیبرال‌دموکراسی نیز در خوش‌بینانه‌ترین حالت، حداکثر به تساوی حقوق در بعد سیاسی (دموکراسی) می‌انجامد و نسبت به ابعاد دیگر، به ویژه بعد اقتصادی پاسخی

۱. ر.ک. به: ژان ژاک شوالیه، آثار بزرگ سیاسی از ماکیاوولی تا هیتلر، ترجمه لیلیا سازگار: ۲۸۹-۲۹۴، همچنین، ر.ک. به: حسین

بشیری، تاریخ فکریته‌های سیاسی در قرن بیستم، ج ۱.

ندارد. توضیح اینکه: لیبرال‌دموکراسی از دو رکن «لیبرال» و «دموکراسی» تشکیل شده است. اولی بر معنای آزادی و دومی بر معنای حکومت مردم تأکید دارد. واقعیت این است که به تعبیر «اندرو لوین»^۱ (استاد دانشگاه ویسکانزین مدیسون آمریکا) نمی‌توان این دو رکن را در نظریه واحد منسجمی گردآورد؛ چون موضع لیبرالی بر حیات فردی و خصوصی تأکید دارد، ولی در موضع دموکراتیک، حیات جمعی از اهمیت اساسی برخوردار است و راه حلی که لیبرال‌دموکراسی برای حل این تعارض طرح کرده است، به ضرر بُعد دموکراتیک است و در عمل آنچه اتفاق می‌افتد، سطحی‌کردن دموکراسی است؛ به این معنا که در نظامهای لیبرال‌دموکراسی تنها دموکراسی ظاهری وجود دارد، نه واقعی.^۲

علاوه بر این مطلب، حتی اگر دموکراسی را نوعی عدالت سیاسی بدانیم، به دلیل تأکید لیبرال‌دموکراسی بر اقتصاد سرمایه‌داری، امکان دستیابی عملی به عدالت سیاسی، بدون عدالت اقتصادی وجود ندارد. روشن است که قانون عدالت‌خواهی، تنها در صورتی می‌تواند به نتیجه عینی برسد که مانند یک سیستم، همه ابعاد را شامل شود.

اشکال دیگر قوانین مارکسیستی و لیبرال، مادی‌گرا بودن آنهاست. این قوانین در نهایت، توانایی حل مشکلات بُعد حیوانی انسانها را دارد؛ هر چند از عهده همین منظور نیز برنیامده است.

قانون عدل در صورتی می‌تواند نرم‌افزار کاملی برای نظام عدالت‌محور باشد که هر دو ساحت مادی و معنوی انسان را در نظر داشته باشد، چنانکه این دو در وحی الهی و قرآن تجلی یافته‌اند. از این رو، قرآن کتاب جامع و جهان‌شمول الهی است.

از جمله اموری که در بحث مهدویت در روایات می‌بینیم و در تطبیق آن با آنچه گفتیم، مورد اشکال واقع شده، عنوان «کتاب جدید» است که نیازمند توضیح می‌باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

... لکائنی انظر اليه بين الركن والمقام يبائع الناس على كتاب

جدید... (النعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۰۲).

از قول امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است:

1. Andrew Levine.

۲. ر.ک. به: اندرو لوین، طرح و نقد نظریه لیبرال‌دموکراسی، ترجمه سعید زیباکلام: ۱۲۹ - ۱۳۰ و ۱۴۲ - ۱۴۳.

فوالله لكأني انظر اليه بين الركن و المقام، يبائع الناس بأمر جديد (شديد) و كتاب جديد و سلطان جديد من السماء (همان: ۱۳۹؛ صدر، بی تا: ۶۳۷-۶۳۹).
بی گمان، این تصور که منظور از کتاب جدید، قرآن جدیدی است، باطل است؛ زیرا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود، احیاگر قرآن و سنت است؛ چنانکه امام علی علیه السلام می فرماید:

فیریکم کیف عدل السیره و یحیی میت الکتاب و السنة (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸).

بنابراین، ظاهراً مراد از کتاب جدید، قانون جدیدی است که برآمده از قرآن و سنت و مبتنی بر مقتضای زمان و مکان است که روش عدل را نشان می دهد.

۲- رهبر عدالت خواه

دومین رکن در الگوی عدالت، بر مبنای دولت آرمانی اسلام در عصر مهدوی، رهبری عادل و عدالت خواه است که توانایی توجیح مبانی نظری قوانین را داشته باشد و با هوشیاری، مراحل بنیانگذاری جامعه عادلانه را مدیریت کند.

با توجه به ویژگیهای رهبر انقلاب جهانی، عدالت خواهی در این رکن می تواند الهام بخش باشد. آن حضرت را جامع کلمه تقوا، باب الله، وجه الله، واسطه فیض الهی و حبل الله نامیده اند. او فرزند سروران مقرب درگاه الهی، رهبران راه یافته، خوبان با اصالت، راههای آشکار، دانشهای کامل (یابن العلوم الکامله) و سنتهای شناخته شده است. او فرزند صراط مستقیم و خود صراط مستقیم است. آن حضرت، چشم خدا، راز هستی، نور الهی، فرزند قرآن، آیات و بیّنات و خبر بزرگ (نبأ عظیم) است.^۱

بی گمان از غیر معصومان، کسی به پای او نمی رسد و طرح این ویژگیها که تنها بخش کمی از بسیار است، به منظور الگوگیری و نزدیکی هر چه بیشتر به معصوم علیه السلام است و در عصر غیبت، فقیه جامع شرایط و عادل، نزدیکترین شخص به امام معصوم با آن ویژگیهاست.

۱. رک. به: شیخ عباس قمی، مفتاح الجنان، دعای ندبه و زیارت روز جمعه.

۳- کادر عدالت‌پیشه

رکن سوم الگوی عدالت‌خواهی را افراد مخلص و کارآزموده تشکیل می‌دهند که از آنان با عنوان نیروهای کادر یاد می‌کنیم. رهبر عادل، نیازمند نیروهایی فرمان‌پذیر و مسئولان و کادری آگاه، توانمند، شجاع و با انگیزه است تا تحت فرمان او، در اجرای عدالت، فعال و پرشور، عاشقانه بکوشند. برای الگوگیری از دولت مهدوی (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف)، در این زمینه لازم است به ویژگیهای کادر انقلاب جهانی عدالت در روایات اشاره بکنیم:

رجال مؤمنون عرفوا الله حق معرفته.

رهبان باللیل، لیوٹ بالنتهار.

خیر فوارس علی ظهر الأرض او من خیر الفوارس علی ظهر الأرض.

جیش الغضب (صدر، بی تا: ۴۱۷-۴۲۰).

رجال لاینامون اللیل لهم دوی فی صلاتهم کدوی النحل.

بیتون قیاماً علی اطرافهم، رهبان باللیل اسد بالنتهار (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۱۲۵).

آن‌گونه که از این روایات و دیگر روایات فهمیده می‌شود، عدالت‌گستری، کادری مجرب و آموزش‌دیده نیاز دارد. افراد این گروه، ابتدا باید خود در سطح فردی به عدالت رسیده باشند تا شایستگی اجرای عدالت اجتماعی را داشته باشند. عدالت در اندیشه (باور عمیق به عدالت)، عدالت در احساسات و گرایشها (با کنترل آنها در جهت حق) و عدالت در رفتار (دوری از افراط و تفریط) از ویژگیهای برجسته آنهاست. چه اینکه در وصف وزرای دولت حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) آمده است:

و هم اخلص الوزراء و افضل الوزراء (سلیمان، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۵۹۹).

همچنین از آنجا که معیار عدالت، قانون و احکام الهی است، ضرورت شناخت احکام و معارف اسلامی برای آنان مبرهن است. لازم است که آنان عدل و ظلم را به‌درستی تشخیص دهند و مصادیق آنها را درک کنند تا دچار لغزش نشوند. علاوه بر این، سخت‌کوشی، سلامت و پاک‌ی، ایمان و عمل صالح، ساده‌زیستی، عابدبودن، داشتن صبر و بصر و تحلیل درست از حوادث جامعه و جهان، صفا و صمیمیت، مردم‌دوستی، نیکوکاری، خلاقیت، شهادت‌طلبی و دنبال رضایت خدا بودن از ویژگیهای چنین مردان و زنانی است. آنان شب‌زنده‌دار و روزه‌دارند و آنچنان در راه خود مصمم هستند که هیچ مانعی بر سر راه آنان دوام نمی‌آورد. همچنین از بهترین آموزشهای نظری و عملی برخوردارند و در پرتو همین تربیت است که انسانهایی شایسته، مدیر، ولایتمدار و عدالت‌گسترند. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که کادر

انقلابی دولت آرمانی اسلام، از انسانهای عادی هستند و نه از معصومان. این واقعیت به ما می‌فهماند که مکتب اسلام، قدرت پرورش انسانهای شایسته را در هر عصری دارد. بنابراین، اگر می‌خواهیم عدالت را در جامعه، تحقق بخشیم، لازم است چنین اشخاصی را شناسایی کنیم و با کمک آنان نهضت عدالت‌خواهی را پیش ببریم.

۴- نهادهای عدالت‌گستر

بدون شک، رهبر و کادرهای عدالت‌خواه بدون داشتن سازمان و نهادهای همسو با اندیشه دادگستری، امکان موفقیت ندارند. بر این مبنا نهادهایی لازم است تا مأموریت و رسالت اصلی خود را در عدالت جست‌وجو کنند. نهادهای عدالت‌گستر به‌واقع، بخش سخت‌افزاری الگوی عدالت را تشکیل می‌دهند که عامل تحقق نرم‌افزار عدالت‌خواهی‌اند. بدیهی است که این نهادها خود باید بر بنیاد عدالت، بنا شده باشند و عدالت سازمانی در آنها رعایت شود.

علاوه بر این، نیازمند سیستم کاملی از نهادهای عدالت‌گستر در جامعه هستیم، به‌گونه‌ای که همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی را شامل شود. نکته دیگر در بحث نهادها، ساختار آنهاست. ساختار و سازمانی که بر بنیاد تبعیض و فساد و ظلم بنا شده باشد، نمی‌تواند کارکرد عدالت‌گسترانه داشته باشد. برای تحقق عدالت نیازمند تشکیلاتی هستیم که براساس تقوا و عدالت شکل یافته باشد:

«أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ» (توبه (۹): ۱۰۹).

بنابراین، نهادهای تقنینی - قضایی و اجرایی در یک نظام عدالت‌محور باید بر اساس قداست و پاکی بنا شوند تا بتوان از آنها انتظار کارکرد ایده‌آل اسلامی را داشت. به‌عنوان مثال، امروزه در جامعه خودمان تا چه اندازه از مسجد در نظام سیاسی بهره می‌بریم؟ درحالی‌که در دولت نبوی ﷺ مسجد، ساختار و نهادی بود که علاوه بر امور عبادی، مرکز رسیدگی به امور حکومتی بوده است. از نقش مسجد در عصر نبوی آگاهیم، اما درباره نقش این نهاد در دولت جهانی حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)، از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که:

دار ملکه الكوفة و مجلس حکمه‌جامعها و بیت سکنه و بیت ماله و مقسم غنائم المسلمین مسجد السهله و موضع خلواته الذکوات البیض من الغرین (سلیمان، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۶۵۴-۶۵۵ و ۹۲۳)؛ مرکز حکومت او کوفه و مرکز

حکم و قضاوت او مسجد اعظم کوفه است. محل زندگی و مرکز بیت‌المال و محل تقسیم غنائیم جنگی، مسجد سهله است و محل خلوت او، تپه‌های سفید و نورانی نجف اشرف.

۵- همراهی مردم عدالت‌خواه

مردم، رکن پنجم الگوی عدالتند. با اراده آنهاست که در پرتو ارکان دیگر نتیجه حاصل می‌شود. در غیر این صورت است که امام عادل، چون علی علیه السلام - که قُتل فی محرابه لشدة عدله - نیز آن‌گونه که می‌خواهد، نمی‌تواند مدینه عدالت و فضیلت را محقق سازد. مردم نیز باید در سه سطح اندیشه، احساسات و گرایشها و رفتار، عدالت‌خواه باشند. این تحول انقلابی خود، منوط به تغییر انفسی است؛ چه اینکه:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد (۱۳): ۱۱).

تا مردم به شکل بنیادین آگاهی لازم را درباره مرگ‌آفرینی ظلم و حیات‌بخشی عدالت پیدا نکنند و تا عزم و اراده کافی برای مبارزه با ستم، باطل، فسق و فجور و فساد و تبعیض و فقر را نداشته باشند، قیام به عدالت نخواهند کرد. همه ارکان قبلی، بستری برای «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» است.

اگر می‌خواهیم عدالت در جامعه گسترده شود، ایجاد تحول اساسی در این رکن باید وجهه همت قانونگذاران، رهبری، کادر و نهادهای عدالت‌خواه باشد. این تحول نیز صورت نمی‌گیرد، مگر آنکه چهار رکن پیشین محبوب خلاق شوند و مردم از حاکمیت آنان راضی باشند. این مطلب با الهام از روایات مربوط به دولت کریمه مهدوی قابل اثبات است. در این زمینه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

يَأْوِي إِلَى الْمَهْدِيِّ أُمَّتِهِ كَمَا تَأْوِي النُّحُلُ إِلَى الْعَسَلِ (سليمان، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۵۹۹).

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

المهدي محبوب في الخلائق، يطفىء الله به الفتنة الصّماء (همان: ۶۴۰).

يرضى عن خلافته اهل الأرض و اهل السماء و الطّير في جوّ السماء (همان: ۶۵۰).

رابطه عدالت‌گستران با مردم، همچون رابطه زنبوران عسل با ملکه، فداکارانه و عاشقانه است.

این دوستی عمیق، همه فتنه‌های طرفداران ظلم و جور را خنثی می‌کند.
در پایان این بخش شایسته یادآوری است که عدالت با همه مکانت والایی که دارد، بستر را
برای تحقق هدف نهایی از خلقت که عبادت و معرفت است، آماده می‌کند:
«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات (۵۱): ۵۶).

بخش دوم: پیشرفت

۱- مفهوم پیشرفت

پیشرفت به معنای جلورفتن و در مقابل درج‌زدن و عقب‌گرد است. منظور آن است که فرد یا
گروه یا جامعه یا دولت، در راهی که برگزیده است به سوی هدف پیش برود. میزان پیشرفت نیز به
میزان نزدیکی به هدف بستگی دارد. بدیهی است که حرکت به سوی آینده، بدون توجه به گذشته
و حال بی‌معناست.

مدعای ما در این نوشتار، آن است که منظور از پیشرفت یا توسعه، مدرنیته غربی یا توسعه
مارکسیستی نیست؛ چرا که در پروسه پیشرفت در دنیای غرب و به تعبیری روند حرکت به سمت
مدرنیته - که از حدود قرن (۱۴ - ۱۵) میلادی پس از رنسانس است - در تضاد با سنت و گذشته
معنا می‌شود. بر این مبنا، مدرنیته غربی، سنت دینی گذشته را زیر پا می‌گذارد و آن را قدیمی و
ارتجاعی و دوراندختنی معرفی می‌کند و حداکثر به حفظ دین در سطح فردی می‌اندیشد.
مدرنیسم و مکتب‌نوسازی یا مدرنیزاسیون نیز که بعدها با الهام از مدرنیته غربی در برخی از
کشورها به اجرا درآمد، همین تضاد با سنت و مذهب را در درون خود دارد. در مفهوم پیشرفت
در گفتمان مدرنیته، سکولاریزم، غلبه یافته و جامعه و دولت فارغ از دین و نهادهای آن (کلیسا)،
نشانگر پیشرفت بوده است.^۱

توسعه در گفتمان مارکسیستی نیز به نوعی دیگر در تضاد با سنت و دین است. در این
گفتمان، الحاد و مادیگری صرف و نفی مالکیت، معنویت و خدا، از شاخصهای پیشرفت معرفی
می‌شود. آنان بر اساس «دیالکتیک» فلسفی، مسیری جبری را برای پیشرفت جامعه و تاریخ
قائلند؛ لذا پیشرفت را به میزان حرکت به سوی جامعه «کمونیستی» براساس «ماتریالیسم» تاریخی
می‌دانند.^۲

۱. در این باره نگاه کنید به مباحث جامعه‌شناختی توسعه، حسین بشیریه، امواج تجدید، فصلنامه نقد و نظر، مباحث
مربوط به سنت و مدرنیته.

2. See: Stewart, Elbert, W, Glynn James A: Introduction to Sociology (Singapore: MCG raw-

بنابراین، اگر از پیشرفت در این مقاله سخن می‌گوییم منظور ما حرکت از وضع و جامعه موجود به سوی وضع و جامعه مطلوب است. اما این حرکت، نه در تضاد با سنت و دین معنا می‌شود، نه تک‌ساحتی است و نه «درمینستی» بر اساس جبر تاریخ، بلکه حرکتی است برخاسته از اراده انسانها، در مجموع تکاملی، بر اساس سنت‌ها و قوانین ثابت الهی که دربرگیرنده ابعاد مختلف مادی و معنوی زندگی فرد و جامعه است و در راستای انطباق با دولت آرمانی نبوی ﷺ، دولت علوی علیّه و دولت مهدوی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد.

در راستای تعامل مثبت میان دو عنصر عدالت و پیشرفت نیز معتقدیم الگوی عدالتی که در این نوشتار از آن یاد شد، در صورت تحقق، پیشرفتهای چشمگیری را در ابعاد مختلف اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، قضایی، امنیتی و فناوری ایجاد خواهد کرد. به گونه‌ای که نظام اسلامی را به الگویی موفق در جهان معاصر بدل خواهد کرد.

۲- الگوی پیشرفت

الگوی پیشرفت در نظام آرمانی اسلام، ابعدی به شرح ذیل را شامل می‌شود که هر یک به خودی خود از اهمیتی در خور توجه برخوردار است:

۲-۱- پیشرفت اخلاقی

می‌دانیم که از مهمترین مشکلات و معضلات جوامع پیشرفته مادی در دنیای غرب، مشکلات اخلاقی است. نسبی‌گرایی اخلاقی و آزادیهای نامشروع جنسی، پیامدهای زیانبار فراوانی برای این جوامع به دنبال داشته است. با توجه به این پدیده، پرسش این است که الگوی ما در اخلاق چیست؟ ما که طبق الگوی عدالت به سوی هدف پیشرفت یا توسعه (در معنایی که بیان کردیم) در حرکتیم، در هدف‌گذاری اخلاقی، چه الگوی مناسبی را باید مد نظر قرار دهیم؟

بدون اینکه بخواهیم وارد جزئیات شویم، اعتقاد ما بر آن است که رسول الله ﷺ، الگوی حسنه اخلاقی ماست؛ چه اینکه علاوه بر آیه «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»، خداوند ایشان را با عنوان «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۶۸: ۴) توصیف فرموده است. پس از ایشان نیز امامان پاک شیعه، الگوی اخلاقی ما هستند و در ادامه نیز اساساً راه رسیدن به تقوا، بزرگراه عدالت است؛ چه اینکه خدای سبحان می‌فرماید:

«اعْدِلُوا هُوَ اقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده (۵): ۸).

در این راستا تلاش نظام سیاسی بر اساس الهام از سیره حکومتی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باید به کمال رساندن اخلاق فردی و اجتماعی مردم باشد. امام باقر (علیه السلام) در این باره می فرماید:

اذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد و اكمل به اخلاقهم (علامه

مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۳۳۶).

۲-۲- پیشرفت سیاسی

الگوی پیشرفت در بعد سیاسی، نظام ولایی یا امامت است. بنابراین، الگوهای مطرح در دیگر نظامهای سیاسی؛ مانند خلافت، سلطنت (مطلقه یا مشروطه)، جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی و یا لیبرال دموکراسی و مانند آن پذیرفته نیست؛ زیرا این الگوها انطباقی تام و کامل با الگوهای صدر اسلام و عصر مهدوی ندارد.

ویژگیهای کلی این نظام، آن گونه که از آیات و روایات برمی آید، به شرح ذیل است:
الف- در رأس حکومت، شایسته ترین انسان روی زمین قرار دارد که در عین حال مرجع دینی نیز هست.

ب- رسالت اصلی آن، برپایی عدل، اجرای احکام اسلام با تمام جزئیات آن، احسان به مردم، عمران و امنیت کامل و ایجاد محیط عبادت خالصانه برای بندگان خداست.

ج- کارگزاران این نظام، شایسته ترین افراد ملت، پرورش یافته در مکتب اسلام ناب و برگزیده امامند.

د- نظام یاد شده، ماهیتی جهانی دارد، نه نژادی، قومی، ملی یا منطقه ای.

ه- مردم در این نظام از بالاترین درجه کرامت برخوردارند و رابطه آنان با حکومت عاشقانه است.

و- معیار برتری افراد در این نظام سیاسی، ایمان و تقوا، علم و دانش و جهاد فی سبیل الله است، نه ثروت و مقام مادی و قدرت ظاهری.

مستندات بسیاری گویای حاکمیت شایسته ترین فرد در نظام سیاسی امامت مهدوی است. درباره رسالت یا مأموریت این حکومت امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

يفرق المهدى اصحابه فى جميع البلدان و يأمرهم بالعدل والاحسان و يجعلهم

حكاماً فى الاقاليم و يأمرهم بعمران المدن (سليمان، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۶۵۰).

همچنین، بر اساس آیه (۵۵) سوره نور، خداوند وعده حاکمیت صالحان بر روی زمین را می‌دهد که نتیجه آن حاکمیت دین مورد رضایت مؤمنان صالح، امنیت و عبادت بدون شرک است:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۲۴): (۵۵).

درباره شایسته‌سالاری در دولت آرمانی اسلام نیز از زبان پیامبر ﷺ نقل شده است که فرمود: وزراء المهدي... و هم اخلص الوزراء و افضل الوزراء (سلیمان، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۵۵۹).

جهانی بودن ماهیت دولت آرمانی اسلام نیز از جمله، با تعبیر «یفرق المهدي اصحابه فی جميع البلدان» که قبلاً بیان شد، روشن می‌شود.

درباره کرامت انسانی نیز به رابطه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با مردم بر اساس اهداف بشری و نجات‌گرایانه حکومت ایشان، باید اشاره کرد که از قول رسول گرامی اسلام نقل شده است که فرمود:

و يخرج ذل الرق من اعناقكم (همان: ۶۰۰).

معیارهای برتری افراد در این نظام سیاسی نیز از آیات (۱۳) حجرات، (۱۱) مجادله و (۹۵) و (۹۶) سوره نساء، روشن می‌شود.

بنابراین، الگوی پیشرفت سیاسی با ویژگیهای شش‌گانه ذکر شده، بی‌گمان همه ارکان قدرت را در دولت آرمانی اسلام، شامل است؛ از رهبری تا بخش قضایی، تقنینی، اجرایی، نظامی و دیگر نهادهای سیاسی و حکومتی.

۳- پیشرفت اقتصادی

اصل حاکم و روح الگوی پیشرفت اقتصادی در دولت آرمانی اسلام، عدالت اقتصادی است. این اصل در همه ابعاد اقتصاد، اعم از کشاورزی، خدمات و صنعت و در کلیه مراحل، اعم از تولید، توزیع و مصرف، حاکم، ساری و جاری است.

در چنین الگویی، اقتصاد، وسیله‌ای است برای رسیدن به مراحل عالی انسانی؛ یعنی رسیدن

به مقام بلند تقوا و عبد خالص خدا بودن.

نباید گمان کرد که منظور از عدالت اقتصادی، توزیع فقر در جامعه است. برخلاف تصویری که زهد و تقوا و عدم وابستگی به دنیا را با فقر و بی‌نوایی مترادف می‌گیرد، در دولت آرمانی اسلام، شاهد نزول برکات آسمانی و زمینی بر بشر خواهیم بود. در این الگو شکوفایی اقتصاد در همه ابعاد، آنچنان است که همه مردم از آن بهره می‌برند، محتاج صدقه‌ای یافت نمی‌شود، زمین گنجهای ظاهری و باطنی خود را بر انسانها می‌گشاید و عصر، عصر فراوانی نعمتهای الهی است. پیشرفت اقتصادی در دولت آرمانی اسلام، خود مبتنی بر انقلابی اقتصادی است که لازم است اقتصاددانان در چرایی و چگونگی آن بیندیشند. در این انقلاب، در بخش کشاورزی، زمین خشک و بی‌حاصلی نیست که بارور نشود، به گونه‌ای که در عصر مهدوی گفته می‌شود: فرد بین عراق و شام حرکت نمی‌کند، مگر اینکه قدم بر گیاه می‌گذارد. تردیدی نیست که تبدیل صحرائی خشک و بی‌آب و علف، بدون یک انقلاب بنیادین در عرصه محیط زیست و کشاورزی، ناممکن است.

با وقوع انقلاب در بخش صنعتی نیز آن‌گونه که از روایات مربوطه به دولت مهدوی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برمی‌آید، عالیترین سطح شکوفایی صنعتی اتفاق خواهد افتاد، به گونه‌ای که زمین، معادن و گنجهای نهفته خود را که تا آن زمان، گشوده نشده است، آشکار می‌کند و مردم به ذخایر طلا و نقره، به وفور دست می‌یابند.

در عین حال در الگوی پیشرفت اقتصادی اسلامی - برخلاف اقتصاد سرمایه‌داری - از تراکم ثروت در دست طبقه‌ای خاص (سرمایه‌داران) جلوگیری می‌شود تا به تعبیر قرآن:

«كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر ۵۹: ۷).

بر این اساس، جنگ فقر و غنا خاتمه می‌یابد و از شکاف طبقاتی در جوامع خبری نخواهد بود.

نکته مهم در این بخش از توسعه اینکه آن حضرت بسیار بخشنده است؛ به گونه‌ای پیامبر ﷺ در مورد ایشان فرموده است:

يَكُونُ عَطَاؤُهُ هَيْئًا (سليمان، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۵۶۹)؛ بخشش او گواراست.

این بخشش اقتصادی، خود در ایجاد عدالت در جامعه، نقش مهمی دارد. دست و دلبازی حاکمان نسبت به توده‌ها و سعه صدر آنها در بخشش به نیازمندان به کم شدن شکاف طبقاتی در جامعه، کمک شایانی می‌کند.

همانگونه که توسعه نظام اقتصادی سرمایه‌داری مردود بود، الگوی توسعه در نظام اقتصادی سوسیالیستی نیز، مورد انکار است؛ چون در الگوی اسلامی، بر اساس «لِيُقَوِّمَ النَّاسَ بِالْقِسْطِ»، مردم، نقش‌آفرین اصلی صحنه‌های اقتصادی‌اند و دولت‌سالاری و نفی مالکیت به رسمیت شناخته نمی‌شود. هرچند از مالکیت‌های نامشروع جلوگیری می‌شود و حدی شرعی و عقلایی بر آن تعریف می‌گردد. تقسیم ثروت در این الگو در چارچوب اسلام و مبتنی بر عدالت صورت می‌گیرد. پیامبر ﷺ فرمود:

انه يستخرج الكنوز و يقسم المال و يلقى الاسلام بجرانه (صافی، بی تا: ۴۷۲). یکی از هدف‌گذارهای اقتصادی در بخش کشاورزی در این الگو، افزایش امکان بهره‌مندی از منابع آب و رودخانه‌ها می‌باشد. به سخن رسول خدا: «و نريد المياه في دولته و تمد الأنهار» که نتیجه‌اش افزایش چشمگیر تولیدات کشاورزی و غذایی است؛ به گونه‌ای که فرمود: «و تضعف الأرض اكلها» (همان).

این رونق و شکوفایی، همه زمین را در بر می‌گیرد و نقطه‌ای از جوامع از فیض آن محروم نمی‌شود؛ به گونه‌ای که از نظر عمران، همه نقاط خراب و مورد نیاز، آباد می‌شود. به سخن امام باقر علی‌ه السلام:

فلا يبقی فی الأرض خرابٌ الا و عمّر (همان: ۴۸۲).

یادآور می‌شویم که پیشرفت اقتصادی در این الگو با حفظ محیط زیست و حیات جانوران و دیگر موجودات همراه است؛ به گونه‌ای که طبق سخن پیامبر اعظم، اهل آسمان و زمین، پرندگان، حیوانات و ماهیان دریا نیز از این شکوفایی شادمانند (همان: ۴۷۲).

هدف‌گذاری دیگر در این پیشرفت اقتصادی، تسخیر فضا و کرات آسمانی - علاوه بر زمین - است؛ یعنی تلاش می‌شود تا آیه «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (جاثیه: ۴۵: ۱۳)، مصادیق خود را به روشنی پیدا کند. تردیدی نیست که لازمه رسیدن به این هدف، انقلابی عظیم در فناوری است، به ویژه در بخش فضایی و آسمانی که مستندات این امور در کتابهای مربوط به عصر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، بیان شده است.^۱ لذا از ذکر روایات در این زمینه، خودداری می‌کنیم.

۱. در این باره، رک. به: علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲: ۳۹۱ و لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الامت: ۴۸۳، حدیث ۲ و ۳.

نتیجه آنکه، الگوی پیشرفت در بخش اقتصادی، عمران همراه با عدالت اقتصادی است؛ به گونه‌ای که فقر و فساد و تبعیض اقتصادی از بین می‌روند و اقتصاد جامعه در همه ابعاد با وقوع انقلابهای متعدد در بخشهای مختلف اقتصادی، به نهایت شکوفایی می‌رسد و اگر امروز، دنبال پیشرفت بر اساس الگوی اسلامی هستیم، لازم است این اهداف، توسط اقتصاددانان و مسؤولان مربوطه، عملیاتی و اجرایی شود.

۴- پیشرفت علمی - فرهنگی

این بخش از الگوی پیشرفت در دولت آرمانی اسلام، از یک سو وحدت فرهنگی براساس اسلام را هدف می‌گیرد - لذا فرهنگها و تمدنهای دیگر در پرتو فرهنگ ناب اسلامی رنگ می‌بازند - و از سوی دیگر، جهت‌گیری برای محو کامل جهل، بدعت، گمراهی و هر آنچه باطل و ستم است صورت می‌پذیرد.

راهکار اساسی برای رسیدن به این پیشرفت، احساس مسؤولیت عمومی در عرصه فرهنگ است که در قالب امر به معروف و نهی از منکر اسلامی، متجلی می‌گردد:

و يميت الله عزوجل به وباصحابه البدع والباطل كما امات السفهه الحق،
حتى لا يري اثر من الظلم و يأمرن بالمعروف و ينهون عن المنكر ولله عاقبة
الامور (صافی گلپایگانی، بی تا: ۴۷۰).

علاوه بر این در دولت آرمانی اسلام، توسعه دانش و تولید علم مورد توجه اساسی است. شکوفایی فرهنگی تا بدانجا پیش می‌رود که زنان خانه‌دار نیز با توجه به دانش بالای خود، می‌توانند بر اساس کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ، قضاوت کنند.

از قول امام باقر عليه السلام نقل شده است:

و تؤون الحكمة في زمانه حتى ان المرأة لتقضى في بيتها بكتاب الله تعالى و
سنة رسوله (سليمان، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۶۲۲).

آن‌گونه که از روایات به دست می‌آید، از راهبردهای پیشرفت علمی - فرهنگی، پرورش عقل انسانهاست. بر این اساس در دولت آرمانی، توسعه عقلانیت امری اساسی است. عقل‌گرایی، اندیشه‌ورزی و تصمیمات کارشناسی از ویژگیهای یک جامعه رشدیافته است. منظور ما در اینجا، عقل منقطع از وحی - چنانکه در جوامع سکولار و مادی معتبر است - نیست. در دولت آرمانی اسلام، تضادی بین عقل و وحی وجود ندارد. انسانها، همچون جوامع مادی امروز، در

حد بهره‌مندی از احساس لذات مادی تنزل پیدا نمی‌کنند. اهمیت توجه دولت اسلامی به پرورش عقل انسانها در جامعه را از روایت امام باقر علیه السلام درمی‌یابیم. آنجا که می‌فرماید:

اذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع به عقولهم (صافی، بی‌تا، ۴۸۳؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۲۳۶).

بنابراین، یکی از هدف‌گذاریها در پیشرفت علمی - فرهنگی، باید ایجاد نهضت شکوفاسازی عنصر عقلانیت و خرد آدیان باشد. شکی نیست که در شرایط مساعد فرهنگی، با توسعه عقلانیت در پناه بهره‌گیری از وحی الهی، نهضت کامل نرم‌افزاری و تولید علم، صورت می‌گیرد. از قول امام صادق علیه السلام نقل شده است که علم، بیست و هفت حرف (بخش) است و تمام آنچه انبیا علیهم السلام آورده‌اند، دو حرف است و مردم تاکنون غیر از این دو بخش چیزی نمی‌دانند. هنگامی که قائم ما ظهور کند، بیست و پنج بخش دیگر را ظاهر نموده، در بین مردم تثبیت می‌کند و آن دو بخش گذشته را به آن می‌افزاید.^۱

۵- پیشرفت قضایی

بی‌گمان یکی از اساسی‌ترین ابعاد پیشرفت در یک جامعه مطلوب، توسعه قضایی است. مهمترین شاخص در این زمینه نیز برپایی عدالت است. عدالت از ابتدای روند مراجعه به دستگاه قضایی تا پایان صدور حکم و اجرا را شامل می‌شود. بر عدالت قاضی تا بدانجا تأکید شده است که او حتی در نگاه به طرفین دعوا باید عدالت را رعایت کند. اینکه چگونه می‌توان به الگوی پیشرفت در بخش قضایی، یعنی برپایی عدالت در جامعه رسید با الهام از روایات، برخی موارد را بیان می‌کنیم:

الف- حضور شایسته‌ترین افراد در رأس دستگاه قضایی. این شایستگی با چند معیار مشخص می‌شود که عبارتند: از علم و تخصص بالای فقهی و حقوقی، تجربه قضاوت، پارسایی در عالی‌ترین سطح، شجاعت، عبودیت الهی و هوشیاری و هوشمندی. در روایتی از امام رضا علیه السلام درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌خوانیم:

يكون اعلم الناس و احكم الناس و اتقى الناس و اشجع الناس و اعبد الناس
و یری من خلفه كما یری من بین یدیه و لا یكون له ظل (سلیمان، ۱۴۰۵ق،
ج ۲: ۵۹۸-۵۹۹).

۱. رک. به: علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ۲۳۶.

ب- قاطعیت، شجاعت و سرعت در اجرای احکام. رسول خدا ﷺ درباره امام زمان

می فرماید:

يقتل اعداء الله حيث تفهمهم و يقيم حدود الله و يحكم بحكم الله (همان:

۵۹۶).

ج- شریعت محوری در برابر تفسیر به رأی. امام علی علیه السلام درباره امام زمان (عجل الله تعالی

فرجه الشریف) می فرماید:

و يعطف الرأى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الرأى و يريهم كيف يكون

عدل السيرة و يحيى ميت الكتاب و السنة (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸).

د- پیشبرد سرعت در سیستم اطلاع رسانی قضایی. این پیشرفت که قاعدتاً با بهره گیری از

دستگاه های بسیار پیشرفته صورت می گیرد، سرعت در صدور و اجرای حکم را بسیار بالا برده و

مشکل اطالۀ دادرسی را حل می کند. امام باقر علیه السلام درباره سیستم یادشده در حکومت حضرت

مهدی می فرماید:

اذا قام القائم بعث في اقاليم الارض في كل اقليم رجلاً ثم يقول له: عهدك

في كفك، فاذا ورد عليك - ما تفهمه و لاتعرف القضاء فيه - فانظر الى كفك و

اعمل بما فيها (سليمان، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۶۳۲).

اگر درک این مفهوم، یعنی اخذ دستورالعمل و حکم از کف دست، در گذشته بسیار مشکل

می نمود، امروزه با پیشرفت در علوم الکترونیک، بسیار آسان است. این حدیث حاکی از سیستم

دستیابی بسیار سریع به حکم است.

ه- پیشگیری بسیار پیشرفته از وقوع جرم. در یک نظام قضایی پیشرفته، مجرمان، حتی دور

از انتظار افراد نیز در امان نیستند. این مهم با کمک دستگاه های پیشرفته اطلاعاتی می تواند صورت

گیرد. بنابراین، از جمله راه های جلوگیری از انباشته شدن پرونده ها در دستگاه قضایی و فشار به

سیستم دادگستری، تقویت بعد اطلاعاتی و بهره گیری از وزارتخانه های مربوطه است تا مجرمان،

هرگز از نگاه حکومت در امان نباشند. این سطح از پیشرفت را می توان از سخن امام صادق علیه السلام

دریافت که می فرماید: «امام زمان علیه السلام دستور می دهد مجرمی را که مردم از جرم او بی خبرند،

دستگیر کنند و گردن بزنند. کسی که در خانه خود، سخن (فتنه انگیز) می گوید، از آن بیم دارد که

در و دیوار علیه او گواهی دهند»^۱. این تعبیرات می‌تواند حاکی از سیستم پیشرفته اطلاعاتی باشد. و- محو رانت‌بازی و دیگر اشکال فساد اداری و قضایی. نفی خویشاوندگرایی، رشوه، پارتی‌بازی و حق‌ستانی، حتی در سخت‌ترین شرایط، از دیگر ابعاد پیشرفت قضایی در دولت آرمانی اسلام است.

پیامبر ﷺ درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌فرماید: «هرگز تحت تأثیر خویشاوندی قرار نمی‌گیرد»^۲. همچنین می‌فرماید: «اگر حق کسی زیر دندان کسی دیگر باشد، آنرا باز می‌ستاند و به صاحب حق، باز می‌گرداند»^۳. امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: **ولا يأخذ فی حکمه الرشی؛** در دستگاه حکومت او رشوه راه ندارد (همان: ۶۳۷).

۶- رشد امنیتی

شاخص دیگر در الگوی پیشرفت در دولت آرمانی اسلام، برقراری امنیت است. امنیت همه ابعاد فیزیکی، روانی، مالی و عرض و آبرو را شامل می‌شود. امنیت در ابعاد داخلی و خارجی - همسایگان و نظام بین‌الملل - نیز از جمله موارد آن است. برقراری امنیت، خود مشروط به ریشه‌کنی ظلم و جور است. از یک سو، بین عدالت‌گستری و برقراری امنیت، رابطه‌ای اساسی وجود دارد و از سوی دیگر، امنیت جامعه، مبتنی بر پیشرفت اخلاقی است؛ یعنی بین امنیت و تکامل اخلاقی نیز رابطه‌ای مستحکم وجود دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

أذا قام حکم بالعدل و ارتفع فی ایامه الجور و امت السبل (همان: ۶۳۹).

درباره انقلاب اخلاقی نیز سخن از شستن کینه‌ها از سینه‌هاست:

و تذهب الشحناء من قلوب العباد و یذهب الشر و یتقی الخیر (همان: ۶۳۹-۶۴۰).

۷- فناوری ارتباطات و اطلاعات

از دیگر شاخصهای پیشرفت در دولت مطلوب اسلامی، توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات است. آنچه از احادیث مربوط به این زمینه دریافت می‌شود، حاکی از پیشرفت

۱. رک. به: سلیمان، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۶۴۶.

۲. رک. به: همان: ۶۰۳-۶۰۴.

۳. رک. به: همان: ۶۰۰.

چشمگیر در این فناوری است. پیشرفتهای ارتباطی و اطلاعاتی در دولت کریمه مهدوی، همه ابعاد زمینی، دریایی، هوایی، جوّی و کرامت آسمانی را در برمی‌گیرد. امام صادق علیه السلام از جمله به توسعه شگفت‌انگیز در ارتباطات هوایی اشاره می‌کند.^۱ همچنین می‌فرماید: «در زمان قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مؤمن که در شرق [عالم] است، برادر خود را در غرب [عالم] می‌بیند و بالعکس».^۲ همچنین گوش و چشم شیعیان تقویت می‌شود؛ به گونه‌ای که آنان امام را در جایگاه خود می‌بینند و بدون نیاز به حضور فیزیکی، با او سخن می‌گویند.^۳

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله، در پاسخ به این پرسش که الگوی عدالت و پیشرفت در نظام جمهوری اسلامی ایران چیست، تلاش کردیم تا با بهره‌گیری از منابع اسلامی و با تأکید بر دولت مهدوی، دو الگوی عدالت و پیشرفت را مورد مطالعه و بازخوانی قرار دهیم. بر این اساس، ارکان پنجگانه عدالت مداری در جامعه و نظام سیاسی عبارتند از: قانون عدل، رهبر عدالت‌خواه، کادر عدالت‌گستر، نهادهای عدالت‌گستر و مردم عدالت‌خواه.

در بخش دوم نوشتار نیز ابعاد هفتگانه پیشرفت، شامل ابعاد اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، علمی - فرهنگی، قضایی، امنیتی و فناوری ارتباطات و اطلاعات را مورد بازبینی قرار دادیم.

نتیجه‌ای که از مباحث یادشده به دست می‌آید این است که اولاً، هر نوع تصویری که نظام اسلامی را فاقد الگو در این زمینه معرفی می‌کند، مردود است. بنابراین، توصیه برخی روشنفکران و غرب‌گرایان مبنی بر اینکه ما ناچار به تقلید از مدل‌های توسعه و مساوات‌خواهی در غرب (اعم از لیبرال‌دموکراسی یا سوسیال‌دموکراسی و مارکسیسم) هستیم، نادرست است. این نگاه، ما را از انفعال در مقابل الگوهای مبتنی بر آموزه‌های غربی باز می‌دارد.

ثانیاً، مقابله آموزه‌های اسلامی و مهدوی با مقوله تبحر و عقب‌ماندگی است که در پیشرفتهای چشمگیر در دولت آرمانی اسلام، تجلی می‌یابد. بنابراین، نگاه شیعی به توسعه، به گونه‌ای است که نه تنها با ترقی و پیشرفت مخالفتی ندارد، بلکه مصادیق طرح‌شده در این مکتب و آرمان‌های پیش روی آن، بسیار فراتر از همه پیشرفتهای دنیای مدرن است.

۱. رک.به: علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ۳۹۱.

۲. رک.به: همان و صافی، بی‌تا: ۴۸۳.

۳. رک.به: صافی، بی‌تا، ۴۸۳ و کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ۲۴۰.

در نتیجه، نظام اسلامی با توجه به مبانی معرفت‌شناختی، شعارها، اهداف و انگیزه‌های انقلاب اسلامی، به‌ویژه خواست مردم مسلمان ایران در جریان انقلاب اسلامی که از جمله در شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» تجلی داشت، نمی‌تواند از الگوهای غربی تقلید کند. بنابراین، باید ضمن بهره‌گیری از تجربیات مثبت و عقلانی آنها از دو الگوی توسعه‌ای جامعه مدنی و جامعه مهدوی استفاده نماید و الگوپذیری صرف از مدل‌های لیبرال و مارکسیستی، برای هر گونه پیشرفتی، نقض غرض خواهد بود.

متأسفانه با وجود منابع غنی اسلامی و الگوی عینی در تاریخ اسلام، به‌قدر کافی مباحث نظری و عملی در این موضوع حیاتی صورت نگرفته است. لذا بر صاحب‌نظران و اندیشمندان اسلامی فرض است که با بهره‌گیری از مکانیزم اجتهاد و طبق مقتضیات زمان و مکان در تبیین و عملیاتی کردن این امر مهم همت گمارند و گفتمان عدالت و پیشرفت توأمان را در ابعاد مادی و معنوی، پارادایم حاکم در جامعه سازند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، انتشارات آل علی علیه السلام، ج ۷، ۱۳۸۳.
۳. النعمانی، الغیبة، قم، انوار الهدی، ج ۱، ۱۴۲۲ق.
۴. سلیمان، کامل، روزگار‌رهایی، ترجمه علی‌اکبر مهدی‌پور، تهران، آفاق، ۱۴۰۵ق، ج ۲.
۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب الأثر فی امام الثانی عشر علیه السلام، تهران، مکتبه الصدر، بی‌تا.
۶. صدر، سیدمحمد، تاریخ ما بعد‌الظهور، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، الطبعة الثانية، بی‌تا.
۷. علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار التراث العربی، ج ۳، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲.
۸. قمی (الف)، شیخ عباس، سفینه البحار، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بی‌تا، ج ۲.
۹. قمی (ب)، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.
۱۰. کلینی، اصول کافی (روضه کافی)، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ۱۳۶۳ش، ج ۸.
۱۱. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، دارالحديث، نرم‌افزار، ج ۲ و ۳.